

آینه



فصل رویش گل و سنبل دگر باره از راه رسید و قمریان
نغزخوان بر بام مناره‌های زمردین آوای خوش از سر گرفته‌اند.
بنفشه‌ها و شکوفه‌ها از دامن مرغزارها سر بر می‌آورند و بر
شاخسار گل‌ها جان می‌گیرند. نسیم بهشتی ز جویبار می‌تراود
و بوی مُشک مرغان آسمانی را به مستی می‌کشانند. بهار را پاس
داریم که بهار است و رقص گل‌ها؛ بهار است و گریه ابرها؛ نسیم
است و عطر شقایق‌ها؛ بهار است و خنده گل به باغ و بلبلاتی که
آواز صبحگاهی‌شان خواب را از چشم‌ها می‌رباید و خزان را از
دل‌ها می‌ستانند.

مژدگانی که دگر باره گل از گلبن رست
بلبل سوخته‌خرمن ز غم هجران رست
دل‌ربا تر ز رخت در دمنی گل ندמיד
دل‌گشا تر ز لب‌ت در چمنی غنچه نبست
شهریارا دگر از بخت چه خواهی که برند
خوبرویان غزل نغز تو را دست به دست
در بهار، نفس‌ها گرم می‌شود و لاله‌زار پر از سرو و گل‌عذار.
شادی به دل‌ها ارمغانی می‌دهد و کودکان بال‌گشا به شوق
محبتی دیگر فصل گرما را جشن می‌گیرند.

به حسرت یادم آید نقش‌نوشین نگارینم
چمن چون از گل و نسرين پر از نقش و نگار آید
مرا جان دگر بخشد دم باد سحرگاهی
که از باد سحرگاهی نسیم زلف یار آید
خدا را شهریار آن نغمه شیرین مکرر کن
مرا هر گه بهار آید به خاطر یاد یار آید
آرزوی همیشگی‌ام برای کسانی که در بزم فرداسازان این
مرز و بوم، جام‌های خود را پیوسته تهی می‌کنند، این است:

بدین شایستگی بدین بایستگی روزی
ملک را در جهان هر روز جشنی باد و نوروزی
در این سالی که گذشت، ورزش کشورمان ریزش‌ها
و رویش‌هایی داشت که سر و سامان‌گیری وزارت «ورزش و
جوانان» از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. معرفی وزیر ورزش و
جوانان از سوی رئیس‌جمهوری در دو مرحله به مجلس، اخذ
رأی اعتماد دومین فرد معرفی شده از مجلس و استقرار وزیر
در وزارت باعث شد تا نهاد ناآرام ورزش از نظر استقرار سازمانی
سامان گیرد. اما آن‌چه از دیرباز گریبان ورزش را می‌فشرد،
تدوین خط‌مشی‌ها و راهکارهایی است که راه عملیات اجرایی

را برای همه سازمان‌های ورزش در خُرد و کلان مشخص
کند. از جمله مهم‌ترین این خط‌مشی‌ها که می‌تواند مسیری
را برای تدوین آیین‌نامه و اساس‌نامه‌های خاص مشخص کند و
براساس آن، مدیران ورزش با چه ضوابطی باید در جایگاه خود
بنشینند و در چه شرایطی باید استعفا دهند و با چه مقرراتی
باید برکنار شوند، وجود ندارد. نبود این اساس‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها
و مقررات راه را بر شایسته‌سالاری می‌بندد و ارتقای تدریجی
و تربیت کادرهای ورزیده برای به دست‌گیری رشته امور در
آینده را به ناکامی می‌کشاند. نمونه بارز آن تغییر در فدراسیون
کشتی است که در اواخر آبان‌ماه سال ۹۰ رخ داد. فردی بدون
پیشینه ورزشی در ورزش کشتی، اما با تجربه فراوان و موفق
در مدیریت ورزش از ریاست فدراسیون کشتی عزل می‌شود
و به جای آن فرد بازنشسته‌ای می‌نشیند که دوره ۳۰ ساله
خدمت خود را در دولت به پایان رسانده و مدت‌های زیادی نیز
از دوران بازنشستگی‌اش گذشته است. آسیب‌شناسی فقط این
جابه‌جایی، ضرورت داشتن آیین‌نامه‌ای برای عزل و نصب‌ها را
در ورزش کشور بیش‌تر نمایان می‌سازد:

۱. فرد بازنشسته‌ای از مصدر امور حذف و فرد بازنشسته
دیگری جای‌گزین می‌شود.

۲. آرامش نسبی حاکم بر ورزش کشتی در آستانه بازی‌های
بسیار حساس المپیک ۲۰۱۲ به احتمال زیاد دستخوش تغییر
می‌شود.

۳. جامعه ورزش در بهت فرو می‌رود که پاداش تلاش پنج
ساله در جایگاهی گاهی برکناری است؛ بدون دلایل جامعه‌پسند.

۴. اخلاق انسانی و اسلامی آسیب می‌پذیرد که فردی
بدون مقدمات لازم عزل می‌شود و رسانه‌ها و جامعه هیچ دلیل
مردم‌پسندی دریافت نمی‌کنند.

۵. نیروی جای‌گزین شایسته‌ای نداریم که هنگام ضرورت،
جای‌نشین فرد معزول شود؛ آن هم از جنس رشته! (با وجود
خیل عظیم کشتی‌گیران مدال‌آور در صحنه‌های جهانی و
المپیک در گذشته و برخورداری آن‌ها از تحصیلات عالی در
علوم ورزشی یا سایر رشته‌های علمی و انجام وظیفه برخی
از آن‌ها در سایر مسئولیت‌های اجتماعی و نهادهای شورایی
در کشور، چگونه می‌شود توجیه کرد که اگر مسئولیت عالی
کشتی، از فردی غیر از رشته گرفته شود، مجدداً به کف فرد
دیگری از غیر رشته واگذار شود). غیر از این نمی‌توان تصور کرد

ب ت ر

که هم‌چنان روش سنتی عزل و نصب در ورزش کشور قوی است و در واگذاری امور به نزدیکان، تردید کم‌تری وجود دارد؛ هرچند که شایسته‌تر از او فراوان باشند.

این شیوه سنتی احتمالاً به تقویت ارتباط رئیس و مرئوس و پیروی محض مرئوس از رئیس کمک می‌کند، ولی پیشبرد بهتر هدف‌های سازمانی را- که هدف غایی هرگونه عزل و نصب جدیدی است- محقق نمی‌کند و ارتباط فرد مسئول با رسانه‌ها و افراد جامعه و سهام‌داران آن رشته ورزشی خاص را ممکن نمی‌سازد. در روش سنتی، برنامه‌های فرد جدید برای استقرار در مسئولیت، فقط کافی است مورد توجه و تایید مقام مافوق قرار گیرد. چنین شخصی موظف نیست درباره برنامه‌هایش به توجیه افکار سایرین و جلب رضایت آن‌ها اقدام کند. اگر هم برنامه‌هایش را منتشر کند و در معرض رؤیت دیگران، به‌ویژه سهام‌داران اصلی رشته قرار دهد، صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد، نه جنبه پاسخ‌گویی به آن‌ها.

در ورزش سنتی، اگر همه سهام‌داران اصلی رشته با ادامه کار مسئولی موافق باشند، ولی نظر مقام مسئول غیر از این باشد، فرد عزل می‌شود. در روش سنتی، سلیقه‌ها به‌ویژه سلیقه سیاسی نسبت به همه توانایی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... کارایی بیش‌تری دارد. در روش سنتی، بسیاری از شایستگان به دلیل نبودن در دایره انتظارات سلیقه سیاسی و روش‌های مورد انتظار مقام مسئول دیده نمی‌شوند و فرد مسئول ورزش کشور نمی‌کوشد آن‌ها را شناسایی، کشف و به کار دعوت کند. در ورزش سنتی، اصل بر سفارش است تا پختگی و نخبگی. در روش سنتی، افکار عمومی، رسانه‌ای و صاحبان سهام از اقدامات عزل و نصبی در یک نهاد ورزشی اقناع نمی‌شود، ولی رضایت خاطر فرد مسئول در ورزش تأمین می‌شود. در روش سنتی، مجامع عمومی ورزشی- در صورت وجود داشتن- فرمایشی می‌شوند و اعضای مجمع خود به دلیل وابستگی‌هایشان برنامه‌ها و اقدامات فرد مسئول در ورزش را همواره به‌جای نقشه تحسین می‌کنند و جا برای نقشه و کار کارشناسی کم‌تر است. در روش سنتی، مسیرهای ارتباطی یکسویه است و همواره سیل اطلاعات و اقدامات از سوی فرد مقام مسئول در ورزش، به سوی زیردستان ابلاغ می‌شود و

راهی نیست که زیرمجموعه‌ها به کار کارشناسی بپردازند و تصمیم‌سازی کنند و سپس مقام مسئول را در تصمیم‌گیری یاری دهند. به همین دلیل، در روش سنتی، خلاقیت‌ها نضج نمی‌گیرند و اندیشه‌های جدید تحول‌ساز روی خودنمایی پیدا نمی‌کنند و مغزها و شوراها برای بازنگری همیشگی در برنامه‌ها پویانمی‌شوند.

از آن‌جا که بهار است و فصل نوها و پدیده‌های جدید، از ریزش‌ها بگذریم و امیدوار باشیم در سال جدید که از قضا، مهم‌ترین رویداد ورزشی هر چهار سال یکبار- بازی‌های المپیک- در آن روی می‌دهد، وزارت ورزش و جوانان در دومین سال زایش خود، از روزمرگی‌ها پا را فراتر نهد و آینده‌اندیشی کند تا دست‌کم از این تحول سازمانی جدیدی که در ورزش کشور به‌وجود آمده است، اندیشه‌های نویی در ورزش در کلان‌جوانه زند.

برای موفقیت در این راه پرفراز و نشیب، وزارت ورزش و جوانان نیز هم‌چون هر سازمانی به برنامه‌ریزی در سه سطح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نیاز دارد. از مهم‌ترین برنامه‌های کوتاه‌مدت، همین موفقیت در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ است که زمینه اقبال از برنامه‌های درازمدت و میان‌مدت ورزش کشور را میسر می‌سازد. موفقیت کشور عزیزمان جمهوری اسلامی ایران- که خود دارای نظامی است بسیار نوپا و با داعیه‌های به حق مسلم در بازی‌های المپیک لندن- این نتایج را دارد که:

۱. نشان می‌دهد ورزش کشور در این تحریم‌ها و محدودیت‌ها حرف‌هایی برای گفتن در صحنه‌های بین‌المللی دارد.
 ۲. اعتبار نظام را در کلیت آن در سطح جهان افزایش می‌دهد.
 ۳. پرچم مقدس جمهوری اسلامی را به اهتزاز درمی‌آورد و این باعث تقویت غرور ملی و تحمل بسیاری از سختی‌های تحمیلی بر مردم کشورمان می‌شود.
 ۴. راه پرفراز و نشیب برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و درازمدت کلان در ورزش را هموار می‌سازد و موفقیت‌های جهانی آتی را برای ورزش کشورمان به ارمغان می‌آورد.
- برای موفقیت در این راه، رویش‌های بهاری فراوری ما است و الگویی که ما را به آینده امیدوار می‌کند. بهار محصول تحمل سختی‌ها در زمستان است. با اندیشه بهاری، به پیشواز موفقیت در بازی‌های المپیک لندن می‌رویم.

سردبیر